

# ریشه های انجیلی يك جانبه گرایی آمریکا: نفوذ راست مسیحی و چگونگی مقابله با آن

دوان الدفیلد<sup>۱</sup>

ترجمه: محمد جمشیدی<sup>۲</sup>

## چکیده

یک جانبه گرایی برای راست مسیحی، مسئله تازه و جدیدی نیست. از چندین دهه پیش، پشروان این جنبش در آمریکا تلاشهای خویش را به طور مستمر آغاز کردند. اما آنچه که تازه به نظر می نماید همجواری راست مسیحی با صاحبان قدرت در آمریکا است. به این ترتیب، طرفداران این جنبش به بازیگران مهمی در صحنه سیاست خارجی آمریکا تبدیل شدند. در این میان سه عامل باعث شده، راست مسیحی از چنین نقش مهم و تعیین کننده ای برخوردار باشد. انتخاب رییس جمهور همفکر و دارای ارتباطات نزدیک با راست مسیحی، رشد فزاینده قدرت سازمانی توده ای راست مسیحی و نهایتاً اتحاد روزافزون آنها و نومحافظه کاران که در دولت کنونی آمریکا از نقش سازنده ای برخوردار است. در پژوهش حاضر تلاش بر آن است تا هر یک از سه گزینه مذکور مورد ارزیابی و شناسایی قرار گیرند. به ویژه آن که، ظرفیتهای انتخابانی و تصمیم گیری عامه مسیحیان راست افزایش یافته و این امر خود سبب تقویت تمایلات شخصی رییس جمهور کنونی گردیده است. چنین امری، باعث گسترش پدیده یک جانبه گرایی در میان راست مسیحی شده است.

**کلید واژه ها:** یک جانبه گرایی، راست مسیحی، رییس جمهور، ایالات متحده، نومحافظه کاران.

\* دانشیار علوم سیاسی در کالج ناکس (Knox College) و نویسنده کتاب «راست و نیکوکار».

\*\* دانش آموخته کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع).

فصلنامه مطالعات منطقه ای: اسرائیل شناسی - آمریکاشناسی، سال ششم، شماره ۲، بهار ۱۳۸۴، صص ۱۸۶ - ۱۶۹.

● در حالی که ایالات متحده آمریکا دائماً در تلاش برای جلب حمایت جامعه بین الملل بود، اما ما هرگز تردید نمی کنیم که در صورت لزوم، یک تنه وارد میدان عمل شویم و با رفتار پیشدستانه، حق دفاع از خود را اعمال کنیم.

● امروز بشریت، فرصت افزایش پیروزیها علیه تمامی دشمنانش را در اختیار دارد. ایالات متحده، مسئولیت ما را در رهبری این رسالت بزرگ مغتنم می شمارد.

● اما مسئولیت ما در قبال تاریخ واضح است، پاسخ این حملات را بدهیم و جهان را از شر شیطان خلاص کنیم.

استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا (۲۰۰۲)، صفحه ۶، دییاجه و صفحه ۵

اینکه دولت جورج دبلیو بوش در اموری از جنگ عراق و افزایش گرمای زمین گرفته و تا دیوان کیفری بین المللی، سیاست خارجی یک جانبه گرایانه اتخاذ کرده بر تمامی ناظران آمریکایی واضح و روشن است. همچنین بدیهی است که سیاست بوش، دست کم در طرح و نمای کلی اش، به میزان زیادی با خواسته های «راست مسیحی» همخوان است. همان طور که دومین نقل قول بالا نشان می دهد، رئیس جمهور که خود یک مسیحی دوباره تولد یافته است، هیچ تردیدی در استفاده از زبان و ادبیات اخلاقی، تلویحاً مذهبی، به منظور دفاع از سیاستهایش به خود راه نمی دهد. دقیقاً چه ارتباطی بین راست مسیحی و سیاست خارجی یک جانبه دولت کنونی وجود دارد؟ راست مسیحی در ربع قرن گذشته، یک بازیگر کلیدی در مسایل اجتماعی داخلی همانند سقط جنین، حقوق همجنس بازان و دعا و مناجات در مدارس بوده است. در حالی که روزنامه نگاران، سیاستمداران و دانشگاهیان همچنان به تحلیل و بحث درباره تأثیر گذاری راست مسیحی در این حوزه ها مشغولند، به تأثیر راست مذهبی بر سیاست خارجی آمریکا توجه کمتری شده است. به هر حال، مشکل است که بتوان از این تأثیر چشم پوشی کرد و این واقعیت، نیازمند تحلیل بیشتری است.<sup>۱</sup> دو قسمت نخست این نوشتار به بررسی ریشه های سیاسی و مذهبی یک جانبه گرایی راست مسیحی و پدید آمدن اتحادیهایی که راه را برابر است مسیحی جهت تبدیل شدن به یک بازیگر مهم در سیاست خارجی کنونی

آمریکا هموار می کند، می پردازد. قسمت پایانی این نوشتار نیز به پرسش دیگری توجه دارد؛ ما چگونه باید نفوذ راست مسیحی را درک کنیم و به آن پاسخ دهیم؟ من معتقدم که تمرکز بر «افراط گرایی» راست مسیحی، راهبردی اشتباه است، در عوض باید راست مسیحی را به عنوان قسمتی از یک اتحاد مسلط در سیاست خارجی نگرست و تأکید دارم که باید بر تناقضهای ذاتی این اتحاد یکجانبه گرایانه تمرکز کرد.

### ریشه های یکجانبه گرایی راست مسیحی

اگر چه تمایلات یکجانبه گرایانه دولت کنونی، دست کم تا اندازه ای با تمایلات دولتهای پیشین تفاوت دارد، اما یکجانبه گرایی برای راست مسیحی مسئله تازه و جدیدی نیست. پیشروان این جنبش در چند دهه پیش، آتش خود را به سمت جهان گرایان و سازمان ملل نشانه گرفتند. «مجمع جان برج» در سال ۱۹۵۹ تلاش همه جانبه ای کرد تا آمریکا را از سازمان ملل بیرون بکشد. «بیلی جیمز هارگیس» رهبر سازمان ضد کمونیستی «کریستین کروسید» در سال ۱۹۶۲ اعلام کرد که «جهان گرایی نخستین تهدید برای آمریکا به شمار می رود». چند تن از شخصیت‌های باسابقه تر راست مسیحی همانند «فیلیس شلفلی» و «تیم لاهایی» نیز ریشه های سیاسی شان به راست‌های ملی گرای این دوران باز می گردد. مخالفت با نهادهای جهان گرا، که تهدیدی نسبت به حاکمیت آمریکا و نقش این کشور به عنوان یک کشور منجی تلقی می شوند، همچنان تا به امروز در محافل مسیحیان راست گرا تداوم دارد. طی جنگ سرد، کمونیسم ستیزی دغدغه نخست سیاست خارجی راست مسیحی و پیش قراولان آن بود. حمایت از یکجانبه گرایی، قسمتی از رسالتی بزرگتر به شمار می رفت که برای برداشتن محدودیتها و آزاد کردن قدرت آمریکا جهت انجام بیکاری قدرتمند علیه کمونیسم لامذهب و ملحد در جریان بود. با فروپاشی شوروی، کمونیسم ستیزی یکجانبه گرایانه تا اندازه زیادی جایگاه خود را از دست داد.<sup>۲</sup> در دهه ۱۹۹۰، مجموعه جدیدی از نگرانیها در مورد نهادهای بین المللی پدیدار گشت و موجب شد که توجه راست گرایان مسیحی به امور جهانی افزایش یابد.<sup>۳</sup> این دغدغه ها ریشه در این هراس دارند که از سازمان

ملل به منظور پیشبرد یک دستور کار اجتماعی لیبرال استفاده می‌شود. کنفرانس‌های پر زرق و برق سازمان ملل در مورد حقوق زنان و سیاست‌های جمعیتی از جمله رویدادهایی بودند که زنگ‌های خطر را برای رهبران مسیحیان راست‌گرا به صدا در می‌آوردند.<sup>۴</sup> «لورن مک لود»، دبیر پیشین قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری عمومی زنان دوستدار آمریکا، ارتباط و دخالت فزاینده گروهش را در مسایل بین‌المللی این‌گونه بیان می‌کند: «به نظر من با آماده شدن ما در اواخر سال ۱۹۹۴ برای شرکت در چهارمین کنفرانس جهانی وضعیت زنان - که در پکن برگزار شد - عملاً در مسایل بین‌المللی وارد شدیم. وارد شدن ما در مسایل سازمان ملل و مسایل جهانی همانند آن بود که ما نوک انگشت پای خود را در داخل آب یک برکه گذاشتیم و تا گردن در آب فرو رفتیم و آنگاه فهمیدیم که در اقیانوس اطلس افتاده ایم.»<sup>۵</sup> فعالیت راست‌مسیحی درباره مسایل سازمان ملل، آنها را به وضعیت بفرنج کشانده است. همکاری عناصری از راست‌گرایان مسیحی که از سوی سازمان دهندگان کنگره جهانی خانواده خط‌دهی می‌شوند با محافظه‌کاران اجتماعی در سراسر جهان - از جمله واتیکان و برخی گروه‌های اسلامی - اتحادهای ظاهراً غیرممکن را در عرصه بین‌المللی جهت دفاع از «خانواده طبیعی» پدید آورده است.<sup>۶</sup> علاوه بر آن، با دستیابی «ایگل فورم»، شورای پژوهشی خانواده و زنان دوستدار آمریکا به جایگاه یک سازمان غیرحکومتی رسمی و شرکت در نشست‌های سازمان ملل، آنها به صورت بالقوه کمک به مشروعیت‌نهادی کرده‌اند که بسیاری از اعضایشان آن را کاملاً غیرمشروع می‌پندارند.

با این وجود، در عین حال که راست‌مسیحی با معماهایی درمورد همکاری با سازمان ملل دست به‌گریبان است، اما هنوز با شکل کنونی این نهاد کاملاً دشمن و مخالف همکاری آمریکا با آن است. آنها بر این باورند که سازمان ملل یک نهاد تحت سلطه فمینیست‌های رادیکالی است که از نهادهای بین‌المللی برای تحمیل دستور کارشان بر آمریکا و جوامع محافظه‌کار دنیای جنوب استفاده می‌کنند. یکی دیگر از دغدغه‌های عمده سیاست خارجی مسیحیان راست‌گرا در طی دهه گذشته، بحث آزار و اذیت مذهبی، به ویژه آزار مسیحیان در چین، عربستان سعودی و سودان بوده است. فعالیت راست‌مسیحی در تصویب قانون آزادی

بین‌المللی مذهب در سال ۱۹۹۸، بسیار با اهمیت بود. اگرچه ارتباط مسئله آزار و اذیت مذهبی به یکجانبه‌گرایی به اندازه ارتباط موارد مطرح شده در بالا نیست، اما شایان ذکر است که راه‌حلهایی که توسط راست مسیحی پی‌گیری شده است، همانند قانون آزادی بین‌المللی مذهب، تحریم علیه سودان و محرومیت چین از فواید داد و ستد با آمریکا، همگی بیش از آنچه بر سازمانهای بین‌المللی جهت تعریف و دفاع از حقوق تکیه کنند، مشتمل بر اقدام یکجانبه آمریکا علیه نقض‌کنندگان حقوق مذهبی می‌باشد. در نهایت، تمایل مسیحیان راست‌گرا به یکجانبه‌گرایی در قرائت آنان از پیشگوییهای انجیل ریشه دارد. از دهه ۱۹۷۰، یعنی زمانی که «هال لیندسی» کتاب «آخرین سیاره شکوهمند زمین» که تا پیش از مجموعه کتابهای «بر جای مانده» اثر «تیم لاهاتی» و «جری جنکینز» پرفروشترین کتاب غیرتخیلی این دهه محسوب می‌شد، آثار مرتبط با پیشگوییهای انجیل در میان حامیان راست مسیحی و دیگر افراد، محبوبیت گسترده‌ای به دست آورده است.<sup>۷</sup> اگر چه جزئیات روایتها فرق می‌کنند، اما بیشتر آنان شور و شغفی برای مؤمنین ترسیم می‌کنند که پس از دوران جنگ و بلایای طبیعی که با ظهور «ضد مسیح» [دجال] پدید می‌آیند، در نهایت، با بازگشت دوباره مسیح حقیقی پایان می‌یابد. آنچه که برای اهداف این نوشتار بسیار پراهمیت است عبارت است از ایده‌ای مشترک در بین تمامی این روایتها مبنی بر به وجود آمدن یک حکومت جهانی، یعنی یک نظم نوین جهانی که هیچ کس جز خود ضد مسیح آن را هدایت نمی‌کند. روایتهای مذکور، حکومت ضد مسیح را حکومتی ترسیم می‌کند که جهت تحمیل یک دین جهانی واحد کوشش می‌نماید. برپایه این روایات، سازمان ملل سرانجام خوشی ندارد. براساس کتابهای پرشمار هال لیندسی، در مورد پیشگوییهای انجیل، سازمان ملل دارای نقشهای مختلفی است. در برخی از نوشته‌های وی، اتحادیه اروپا به عنوان کنفدراسیونی تلقی می‌شود که ضد مسیح آن را رهبری می‌کند. با این وجود، شرورترین عامل مشترک در متون آخرالزمان، سازمان ملل متحد است. در مجموعه «بر جای مانده»، ضد مسیح - نیکلا کارپاتیا - در رأس سازمان ملل قرار دارد. در «پایان دوران» اثر «یت روبرتسون» ضد مسیح - مارک بولیو - نهاد جهانی جدید و حتی قویتری با عنوان «اتحادیه صلح» را جایگزین سازمان ملل می‌کند.<sup>۸</sup> پیام اصلی تمام این کتابها

مشخص است؛ نهادهای چندجانبه دولتی، ابزارهایی خواهند بود که ضدمسیح از آنها برای به دست آوردن سلطه جهانی استفاده می‌کند. این گونه نوشتارها در مورد آخرالزمان باعث تشدید مقاومت در برابر تلاشهای خیالی و تصویری می‌شود که برای به زانو درآوردن ایالات متحده در برابر اقتدار هر گونه نهاد حاکم منطقه‌ای یا بین‌المللی در جریان است. مشکل است که بتوان میزان دقیق تأثیر پیشگوییهای آخرالزمان را اندازه گرفت. جای تعجب نیست که نمایندگان سازمانهای مسیحی راست‌گرای واشنگتن تردید دارند که وجود انگیزه‌های مبتنی بر پیشگویی در ورای فعالیتهای گروهی شان را تأیید کنند. به هر حال، با در نظر گرفتن محبوبیت نشریات مربوط به آخرالزمان، از جمله آثار شخصیت‌های اصلی راست‌مسیحی همانند «پت روبرتسون» و «تیم لاهای»، مشکل بتوان تأثیر چشمگیر آنها را نفی کرد.<sup>۹</sup> با ترکیب یکجانبه‌گرایی ذاتی راست‌کمونیسم ستیز، مخالفت با دستور کار اجتماعی که برای سازمان ملل ترسیم شده و پیشگوییهای انجیل، جنبشی پدید می‌آید که قاطعانه مخالف چندجانبه‌گرایی می‌باشد. ماهیت دقیق این مخالفت از گروهی به گروه دیگر تغییر می‌کند. «فیلیس شلفلی» و گروه «ایگل فورم» و همچنین «زنان دوستدار آمریکا» تقریباً با هر گونه اقتدار مبتنی بر چندجانبه‌گرایی دشمن هستند. این در حالی است که گروههایی همچون «شورای پژوهشی خانواده» و «کنگره جهانی خانواده» تا اندازه‌ای با آنها کنار می‌آیند. با این وجود، تمامی این گروهها می‌کوشند تا سیاست خارجی آمریکا را در جهت یکجانبه‌گرایانه تر هدایت نمایند.

### اتحاد سازی؛ چگونه راست‌مسیحی به یک بازیگر در امور خارجی تبدیل شد

اگر چه یکجانبه‌گرایی راست‌مسیحی امر جدیدی نیست، اما همجواری آن با قدرت، پدیده‌ای جدید است. سه رویداد به راست‌مسیحی کمک کرد تا به بازیگری مهم در صحنه سیاست خارجی تبدیل شود؛ انتخاب رییس جمهوری دارای ارتباطات نزدیک با این جنبش، رشد قدرت سازمانی توده‌های راست‌مسیحی و پیشرفت اتحاد بین آنها و نومحافظه‌کاران که در دولت کنونی نقش حیاتی بازی می‌کنند.

راست مسیحی از دولت ریگان در جنگ آمریکای مرکزی و به ویژه در کمک رسانی به کنترالهای نیکاراگوئه حمایت کرد. (دیاموند، ۱۹۸۹، فصلهای ۶ و ۵) با این حال در دهه ۱۹۸۰، فعالیت آنها در وهله نخست، در جبهه داخلی بود. دولتهای جورج اچ دبلیو بوش (پدر) و کلینتون، دست کم در سطح ریاست جمهوری، فرصتهای اندکی برای نفوذ و تأثیر راست مسیحی فراهم کردند. بوش پدر که یک چندجانبه گرای متعهد بود، با سخن گفتن از «نظم نوین جهانی» زنگهای خطر را برای راست مسیحی به صدا درآورد. این عبارت برای بسیاری از راست گرایان مسیحی یادآور تاریخ طولانی «اهریمن شناسی» جناح راست است؛ دورانی که در آن یک حکومت جهانی - که شاید ملهم از شیطان باشد - حکومت آمریکا را تهدید می کند.<sup>۱۰</sup> حتی دشمنی با کلینتون بیشتر دشمنی با بوش پدر بود. در حالی که راست مسیحی، کلینتون را به عنوان یک آدم خبیث ترسیم و به شدت برای استیضاح وی تلاش می کرد او نیز انگیزه چندانی برای میدان دادن به آنها در عرصه تصمیم سازی سیاست خارجی نداشت. انتخاب جنجالی جورج دبلیو بوش (پسر) باعث فراهم شدن زمینه روی کار آمدن رییس جمهور بسیار همدل و همفکرتری برای راست مسیحی گردید. سرگذشت شخصی بوش به تقویت روابط وی با این جنبش کمک می کند. اگر چه پدر وی با شیوه ترکیب دین و سیاست از دیدگاه راست مسیحی کاملاً مشکل داشت، اما رییس جمهور کنونی - که تجربه تولد دوباره اش او را از گناه می خوارگی نجات بخشیده - به خوبی تفاوت‌های ظریف رأی دهندگان مذهبی راست مسیحی را می فهمد و به زبان آنان سخن می گوید. بوش پدر در سال ۱۹۹۸ با دریافت این مطلب، وظیفه کسب حمایت از این حوزه انتخابیه را در مبارزه انتخاباتی اش به پسرش واگذار کرد. «داگ وید» نیز که در این مبارزه به بوش پدر کمک می کرد به همراه بوش پسر در کار سنگین جلب حمایت رهبران انجیلی فعالیت کرد.<sup>۱۱</sup> کاخ سفید بوش پسر، انعکاس دهنده راحتی حکمرانان کنونی آن با انجیلیون است. «دیوید فروم» نویسنده سخنرانیهای بوش در نخستین کلماتی که پس از قدم گذاشتن در کاخ سفید بر لب آورد گفت: «بر سر کلاس درس انجیل غایب بودا»

گسترش و پیشرفت ظرفیتهای انتخاباتی عامه راست گرایان مسیحی موجب تقویت تمایلات شخصی رییس جمهور کنونی گردیده است. راست مسیحی تا پیش از مبارزه انتخاباتی پت روبرتسون در سال ۱۹۸۸، تجربه بسیار اندکی در سازمان دهی حوزه های انتخاباتی داشت. مبارزه روبرتسون جهت نامزدی انتخابات در هدف اولیه اش ناکام ماند، اما باعث شد که زمینه ظهور «ائتلاف مسیحی» را فراهم آورد. شبکه مردمی این ائتلاف نیز به نوبه خود در پیروزیهای جمهوریخواهان در کنگره سال ۱۹۹۴ نقش مهمی بازی کرد. همایش سالانه ائتلاف راست مسیحی در مبارزات انتخاباتی سالهای ۱۹۹۶ و ۲۰۰۰ به عنوان یک ترمز مورد نیاز در برابر جمهوری خواهان آرزومند مقام ریاست جمهوری عمل نمود. پیشتر، جورج دبلیو بوش، «الف رید»- دبیر پیشین ائتلاف مسیحی- را به عنوان مشاورش در مبارزات کاندیداتوری خود برگزید. پس از شکست بوش در انتخابات درون حزبی نیوهمپشایر، این حمایت قدرتمند راست مسیحی به ویژه در کارولینای شمالی بود که مبارزه جدی سناتور «جان مک کین» را به عقب راند. اکنون که راست مسیحی به عنوان بخش مرکزی ائتلاف انتخاباتی جمهوری خواهان است، رؤسای جمهور این حزب باید دغدغه های رأی دهندگان این حوزه را مد نظر بگیرند. اما تغییرات بیش از این می باشند. هنگامی که فعالان راستگرای مسیحی در طی مبارزه انتخاباتی روبرتسون در اواخر دهه ۱۹۸۰ در سیاست حزبی وارد شدند تفاوت و تمایز بین آنها و جمهوری خواهان جا افتاده، آشکار بود. برای بسیاری از اعضای ثابت حزب، هواداران روبرتسون عبارت از افراد فضول و بیگانه ای بودند که نا اندازه ای خود را بر حزب تحمیل کرده بودند. نیل بوش، برادر رییس جمهور در گفته های خود، آنها را این گونه توصیف می کند: «آنها سوسکهایی بودند که از لای درزهای قفسه انجیل خارج شدند.»<sup>۱۲</sup> اگر چه تنش بین راست مسیحی و دیگر گروههای موجود در حزب همچنان ادامه دارد، اما اکنون راست مسیحی یک بخش اساسی و حتی در برخی نواحی به عنوان گروه مسلط در ائتلاف حزب به شمار می آید. «جان گرین» تحلیل آگاهانه از تکامل هویت دسته جمعی راست مسیحی ارایه می کند؛ [هویت راست مسیحی] از هویتهای مذهبی فرقه ای اوایل دهه ۱۹۸۰ تا هویت



حمایت از خانواده که به اتحاد اعضای راست مسیحی از مذاهب مختلف کمک کرد و تا دوران کنونی جمهوری خواهان انجیلی که حزب، نقش مرکزی در هویت جنبش دارد. رالف رید مدیر اجرایی پیشین ائتلاف مسیحی و دبیر کنونی حزب جمهوری خواه جورجیا، این روند را بدین گونه تمثیل می کند: «هنگامی که راست گرایان مسیحی به فعالیت در حزب می پردازند، سازمانهای آنها به رنج و مشقت می افتند، اما نفوذ آنان در حزب افزایش می یابد.» رفرن رید شاهدهی بر این مدعا است. در حزبی جمهوری خواه که محافظه کاران اهل جنوب آمریکا همانند جورج دبلیو بوش، تام دیلی و دیک آرمی بر آن تسلط دارند دیگر راست گرایان مسیحی فعال، افرادی فضول نیستند. آنها از خودمان هستند.

### ج. ارتباط با نومحافظه کاران

در نهایت، گسترش ارتباطات با دارندگان نفوذ نومحافظه کار در دولت کنونی به میزان زیادی به دسترسی راست مسیحی به قدرت کمک کرده است. ممکن است اتحاد راست مسیحی با روشنفکران نومحافظه کار که بسیاری از آنها یهودی هستند، بعید به نظر رسد، اما این همکاری در حوزه های مختلف گسترش یافته است. مهمترین مبنای این مشارکت، حمایت مشترک آنها از اسرائیل و یا به عبارت بهتر، حمایت مشترک آنها از قرائت حزب لیکود از منافع اسرائیل است. حمایت راست مسیحی از اسرائیل به مراحل نخستین این جنبش در اواخر دهه ۱۹۷۰ بر می گردد، اما این حمایت طی چند سال اخیر به سطح بالاتری ارتقا یافته است. همایش سالانه راست مسیحی در سال ۲۰۰۲ با راهپیمایی در حمایت از اسرائیل پایان یافت و در پی آن رالف رید و رابی یچیل اکستین، گروهی به نام «طرفداری از اسرائیل» را بنیان نهادند. در عین حال، انتقاد از فلسطینی ها و حمایت از اسرائیل دارای ارتباط بسیار نزدیکی با دغدغه های مبتنی بر پیشگوییهای انجیل است که بیشتر بحث شد. جان هگی، نویسنده راست گرای مسیحی می نویسد: «اسرائیل تنها ملتی است که به دست توانای خداوند آفریده شده و او به پاکی و قداست خود سوگند یاد کرده که از اورشلیم، شهر مقدس، دفاع کند. اگر خداوند، اسرائیل را آفریده و از آن دفاع می کند پس ملتیهایی که بر ضد آن می جنگند در

حقیقت بر علیه خداوند می‌جنگند.<sup>۱۳</sup> در یک گردهمایی ائتلاف مسیحی که به تازگی برگزار شد، حتی یکی از سخنرانان گفت که حملات یازده سپتامبر، مجازات‌های الهی بودند که به خاطر حمایت ناکافی آمریکا از اسرائیل متوجه آمریکا شد. همچنین مسئله آزار و اذیت مذهبی نیز یکی از مسائلی است که موجب پدید آمدن ارتباط‌هایی بین راست مسیحی و نومحافظه‌کاران شده است. «میشل هوروتیز»، محافظه‌کار و عضو ارشد مؤسسه هادسون و «نیناشی» از مؤسسه پوبلا به بسیج مبلغین انجیل حول مسئله آزار و اذیت مذهبی، نگاهی ابرازی دارند.<sup>۱۴</sup> «الیوت آبرامز»، رییس وقت «مرکز اخلاقیات و سیاست‌گذاری عمومی» به میزان زیادی در حمایت از این آرمان قلم زد و بعداً به همراه «نیناشی»، عضو کمیسیون شد که به موجب قانون سال ۱۹۹۸ آزادی بین‌المللی مذهب، پدید آمد. وی در نهایت، رییس این کمیسیون شد.<sup>۱۵</sup> آبرامز در شورای امنیت ملی به مناصب سیاست‌گذاری در امور حقوق بشر و همچنین در خاورمیانه دست یافت. پدید آمدن «برنامه ای برای سده نوین آمریکایی» در سال ۱۹۹۷ موجب شد که رهبران نومحافظه‌کار حول فراخوانی برای یک سیاست خارجی تهاجمی‌تر برای آمریکا (از جمله اقدام زورمدارانه علیه عراق صدام) متحد گردند. مراسم این گروه اعلام می‌کند که: «ممکن است در این روزگار چنین سیاست‌ریگانی مبنی بر قدرت نظامی و شفافیت اخلاقی متداول نباشد، اما اگر آمریکا می‌خواهد که بر موفقیت‌های قرن گذشته تکیه کند و امنیت ما را در قرن آینده تأمین و تضمین نماید، چنین سیاستی ضروری به نظر می‌رسد.» نومحافظه‌کاران اصلی که بعداً در دولت بوش به ایفای نقش پرداختند، از جمله الیوت آبرامز، دیک چنی، فرانک گافنی، دونالد رامسفلد و پل ولفوویتز در بین ۲۵ امضاکننده این سند بودند. همچنین «گری بور» رییس بلند مدت شورای پژوهشی خانواده و «ویلیام بنت» که نویسنده است نیز در لیست مذکور موجود بودند. رییس‌جمهور همدل، قدرت انتخاباتی مردمی و روابط با نومحافظه‌کاران دارای نفوذ موجب تأثیر و نفوذ راست مسیحی در سیاست خارجی آمریکا شد و مسیر یک جانبه‌گرایی نظامی و حمایت بی‌چون و چرا از اسرائیل را هموار نمود. انتصاب راست‌گرایان مسیحی در هیأت‌های کنفرانس‌های سازمان ملل و حمایت‌های دولت از دستور کار اجتماعی بین‌المللی آنها، از جمله پادشاهی‌هایی بوده که به آنان تعلق یافته است.

همچنین استفاده رییس جمهور از ادبیات مذهبی جهت توجیه سیاستهایش موجب قوت قلب راست‌گرایان مسیحی شده است. راست‌مذهبی در دولت کنونی بر روند تصمیم‌سازی خارجی تسلط ندارد. به عنوان مثال، آنها در وزارت دفاع، پستهای کلیدی را در اختیار ندارند. با این وجود، آنها برای نیروهای یکجانبه‌گرایی که اکنون بر سیاست خارجی آمریکا مسلط هستند، حمایت قدرتمند مردمی را ایجاد کرده‌اند.

### پاسخ فرهیختگان

فرهیختگان چگونه باید نفوذ راست مسیحی در سیاست خارجی را بفهمند و به آن پاسخ دهند؟ توسل به طعنه زنی و تندزبانی یکی از عمومی‌ترین رویکردهایی است که مخالفان راست مسیحی و پیشکسوتان آنها اتخاذ کرده‌اند. افراطیونی همچون اعضای راست افراطی به عنوان افرادی نگرسته می‌شوند که از جهان عقلانی طبیعی یا جریان سیاسی اصلی دور افتاده‌اند. آنها افرادی غیرعقلانی و دارای مشکل روانی تلقی می‌شوند که قواعد بازی دموکراتیک را قبول ندارند. این رویکرد دارای سابقه‌ای بلند و تاریخی از تحلیلهای «دانیل بل»، سیمور مارتین لیپست و ریچارد هوفستاتر از مک کارتیسم و جامعه جان برچ تا تفسیرهای بعدی از راست مسیحی است. اگرچه این رویکرد مورد انتقاد زیاد دانشگاهیان قرار گرفته است، اما همان تحلیلی است که گروههای لابی عمده جهت مقابله با راست مسیحی از آن بهره می‌جویند.<sup>۱۷</sup> پیروان مرام آمریکایی همان نامی است که به تمایز بین سیاست‌های مرام آمریکایی و افراط‌گرایی خطرناک مخالفان این گروه، یعنی راست رادیکال دلالت می‌کند. اتحاد بین ادیان؛ خود را به عنوان سازمانی منشکل از انسانهای متدین و دارای حسن نیت توصیف می‌کند که در روند پیشبرد ارزشهای اساسی و شناساندن افراط‌گرایی قدم گذاشته است. اینکه خود را اصل بدانیم و دشمنان خود را افراطی و غیرآمریکایی تلقی کنیم می‌تواند یک راهبرد سیاسی کارآمد باشد. ارکان رویکرد راست مسیحی به سیاست خارجی، مثلاً یکسان نگاشتن سازمان ملل با ضد مسیح، مطمئناً تندروی می‌باشد و مخالفانش باید روی آن مانور دهند. فهم راست مسیحی و مقابله با نفوذ آن در سیاست خارجی از طریق ادبیات

افراطی، رویکردی است که به دلایل مختلف اشتباه می‌باشد. رویکرد افراط‌گرایی برای منتقدین «چپ» راست مسیحی، خطرات خاصی دارد. تحلیل افراط‌گرایی به طور ذاتی عبارت است از آنچه که میانه «پاسخ‌گو» را درمقابل افراط و تفریط تقویت می‌کند. میشل روگین در مورد شیوه‌های استفاده از چنین تحلیلی، بحثی قوی ارائه کرده است؛ شیوه‌هایی که چنین تحلیلی به گونه‌ای نادرست نه تنها برای حمله به راست رادیکال، بلکه همچنین برای پیوند دادن و در نتیجه بی‌اعتبار کردن آن با جنبشهای پیشرو شامل فعالان پوپولیست و دانشجویی دهه ۱۹۶۰ استفاده می‌شود.<sup>۱۸</sup> تحلیلی که رهبری عملگرایانه و مسئولانه فردی چون کالین پاول و بوش پدر را با افراط‌گرایی بنیادگرایان مسیحی مقایسه می‌کند. همچنین می‌تواند به عنوان محکی برای مقایسه چنین رهبری با افراط‌گرایی مخالفین جهانی شدن استفاده گردد. مفروض پنداشتن یک میانه عقلانی در برابر افراطیون غیرعقلانی همچنین باعث ندیدن عدم عقلانیت دو سر طیف می‌گردد. تصور اینکه نقاط انتهایی طیف راست مسیحی، تنها مکانهایی هستند که در افسانه‌های ملی‌گرایانه خطرناک ریشه دارند یک اشتباه جدی می‌باشد. در حقیقت، ایدئولوژی یکجانبه‌گرایی آمریکایی از منابع مختلفی از فرهنگ مسلط عامیه و دین فردی نشأت می‌گیرد.

همچنین کوچک شمردن راست مسیحی نیز اشتباه اساسی دیگری می‌باشد. طرد کردنها و راندنهای مکرر راست مسیحی به عنوان افراد غیرعقلانی، موجب واکنش جنبش و انتقاد شدید آنان از جهانی‌مدرن شده است. نهادسازی، اتحادسازی، عملکرد کارکردگرایانه و رفتارهای هوشیارانه سیاسی و کارآمد راست مسیحی جهت پیشرفت دستور کار همواره باعث تحیر منتقدینش گشته است. در نهایت، از همه مهمتر باید گفت که راست مسیحی دیگر یک مجموعه افراطی مجزا از جریان سیاست خارجی نیست. تصور اینکه راست مسیحی یک عنصر افراطی حاشیه‌ای است که خود را به گونه‌ای خزنده به حیطة تصمیم‌سازی خارجی مسئولانه رسانده است کاملاً اشتباه است. راست مسیحی به انگای قدرت و حمایت مردمی خود، بخش عمده‌ای از ائتلاف انتخاباتی حزب سیاسی مسلط کشور است. آنها با داشتن روابط نزدیک با رییس‌جمهور و مشاورین نومحافظه‌کارش، دست کم هم

۱۸۱

اکنون از عوامل مهم اتحاد یکجانبه گرایانه ای به شمار می روند که بر سیاست خارجی آمریکا سایه افکنده است. افرادی که می خواهند با نفوذ راست مذهبی مقابله کنند باید مقام منزلت آنها را نیز مدنظر بگیرند. اگر راست مسیحی بخشی از اتحاد مسلط سیاست خارجی است، مخالفین آنها چگونه باید پیشروی کنند؟ شکست انتخاباتی حزب و دولت متحد با راست مسیحی، کارآمدترین و روشنترین اقدام متقابل می باشد. راست مسیحی در ربع قرن گذشته بیش از همیشه با حزب جمهوری خواه درهم آمیخته است. پتانسیل نفوذ آنها به شدت پیرو شانس و اقبال انتخاباتی حزب جمهوری خواه است. البته من راه حل سحرآمیزی ندارم و این مسئله نیز فراتر از بحث این نوشتار است. با این حال، آنهایی که به دنبال سازماندهی بر ضد راست مسیحی و اتحاد یکجانبه گرایانه ای - که آنها جزئی از آن هستند - می باشند بهتر است که به تنشها و تناقضهای ذاتی در این اتحاد و خود راست مسیحی بپردازند. برخی از آن تناقضها را برمی شماریم:

#### الف. جهانی شدن اقتصاد

تاکنون بحث ما در مورد راست مسیحی و نهادهای مدیریت و زمامداری بین المللی متمرکز بر سازمان ملل - هدف نخستین، یکجانبه گرایی راست مسیحی - بوده است. با این حال، عناصر راست مسیحی سلاحهای خود را بر نهادهای زمامداری اقتصادی بین المللی نظیر سازمان داد و ستد جهانی و توافقنامه بازرگانی آزاد آمریکای شمالی (نفتا) نیز نشانه گرفته اند. اگر چه دولت بوش مایل است که موانع چندجانبه را در برخی حوزه ها کنار بزند، اما نه کاخ سفید و نه متحدین بازرگانی اش - که در موفقیت وی اهمیت شایانی دارند - علاقه ای به رد یکجانبه نظم اقتصادی نئولیبرال ندارند. مقاومت راست مسیحی در برابر جهانی شدن اقتصاد نئولیبرال به صورت بالقوه می تواند تهدید جدی علیه ائتلاف دوستانه و دسته جمعی کنونی در سیاست خارجی به وجود آورد. در دهه ۱۹۹۰، زمانی که گروههای راست مسیحی به عنوان مخالفین نفتا، تمدید اجازه حمل و نقل سری بازرگانی و اعطای جایگاه بازرگانی خاص و استثنایی به چین شناخته شدند، این تهدید، بسیار بزرگ جلوه نمود. «ایگل فورم»

زنان دوستدار آمریکا و شورای پژوهشی خانواده خود را در این نبردها جدای از رهبری جمهوری خواهان و متحدین معمولی شان، مانند بنیاد هریتیج، یافتند. گری بور «جهانگرایی سبکسرانه جمهوری خواهان سرمایه دار، را تقبیح کرد و فعالان راست مسیحی، اتحاد خود را با اتحادیه های کارگری، مدافعین حقوق بشر و سازمان دهندگان جنبشهای ضد جهانی شدن مشکل دار یافتند. بهره برداری دولت بوش از حوادث یازدهم سپتامبر و جنگ علیه تروریسم و جنگ عراق، مشاجرات بر سر جهانی سازی اقتصادی را کاملاً از رونق انداخته اند. همان گونه که «ای ای شتسنایدر»، اشاره کرده است این قویترین قدرتهای سیاسی هستند که دستور کار را تعیین می کنند. دولت بوش با برنامه هایی که برای گره زدن همایش جمهوری خواهان در سال ۲۰۰۴، با سومین سالگرد حوادث یازدهم سپتامبر دارد، مطمئناً این درس را عمیقاً حس کرده است. فرهیختگان باید مسایل جهانی سازی اقتصاد را دوباره پیش بکشند، چرا که این مسئله نه تنها تأکید بر دغدغه های آنها است، بلکه تمرکز بر این مسئله موجب مشخص شدن تناقضهای جدی موجود در ائتلاف سیاست خارجی مخالفین آنها می شود.

### ب. آزار و اذیت مذهبی

موضوع آزار و اذیت مذهبی به خاطر ارتباطی که با منازعه بین راست مسیحی و منافع بازرگانی که در بالا عنوان شد دارد، مشکلات بالقوه ای برای ائتلاف حزب جمهوری خواه - راست مسیحی پدید آورد. مخالفت راست مسیحی با قایل شدن جایگاه بازرگانی کامله الوداد برای چین به میزان بسیار زیادی به برخورد این کشور با شهروندان مسیحی آن مربوط می باشد. هم قانون آزادی بین المللی مذهب و هم درخواستهای مسیحیان برای اعمال تحریم علیه سودان موجب پدید آمدن شیخ سهمگین برخورد بین پیشرفت روابط بازرگانی و حق آزادی مذهب شده است. حتی مشکلاتی ناشی از آزار و اذیت مذهبی در نحوه رفتار دولت بوش در جنگ علیه تروریسم، شدیدتر می باشد. کاخ سفید پس از حوادث یازدهم سپتامبر، تمایل اندکی برای مطرح کردن مسایل حقوق بشر رژیمهایی که قصد همکاری با مبارزه ضد تروریسم داشته اند نشان داده است. با این وجود، بسیاری از متحدین کلیدی آمریکا در جنگ

علیه تروریسم، مانند پاکستان، دقیقاً همان کشورهایی هستند که فعالان مرتبط با راست مسیحی و مخالف آزار مذهبی بیشترین نگرانی را از جانب آنها حس می کنند. اگر چه مسایل آزار مذهبی، تنشهایی برای ائتلاف مسلط سیاست خارجی به وجود می آورد، اما فرهیختگان باید در نحوه بهره برداری از آن تنشها احتیاط داشته باشند. در جو کنونی دغدغه برخورد با مسیحیان در جوامع اسلامی می تواند به راحتی به برخورد تمدنهای اسلام و باختر زمین منجر شود. ائتلاف مسیحی در فوریه ۲۰۰۳، جلسه ای با عنوان «بحث و بررسی اسلام» ترتیب داد که سخنرانان برجسته اش، مسلمانان را افرادی معرفی کرد که می خواهند به هر وسیله مسیحیان را بکشند و برخی از آنها اسلام را با نازیسم مقایسه کردند.

«فرانکلین گراهام» اخیراً در اظهارنظری که بسیار مورد استفاده تبلیغاتی قرار گرفت، اسلام را به عنوان دین «شیطانی» معرفی کرد. اگر چه چنین گفته هایی مطمئناً دیپلماسی بوش را پیچیده می کنند، اما فرهیختگان به ندرت خواستار پدیدار شدن این گونه پیچیدگیها هستند. با این حال، راه حل های بهتری برای اعمال فشار علیه مسئله آزار و اذیت مذهبی وجود دارد. باید دغدغه های مربوط به حقوق بشر به گونه ای در ردیف نخست قرار گیرند که صراحتاً به بررسی موارد آزار مذهبی بپردازند و بر هنجارهای چندجانبه و مکانیسمهای اجرایی تأکید ورزند. پرداختن به نگرانیهای حقوق بشر، عملکرد درستی است و چنین حرکتی توانایی ایجاد شکافهای جدی بین راست مسیحی و دولت بوش را دارد.

### ج. محافظه کاری اجتماعی جهانی و تنشهای ذاتی آن

نه تنها بین راست مسیحی و متحدین آمریکایی آن تنشهای جدی وجود دارد، بلکه راست مسیحی مستقر در آمریکا دارای اختلافات اساسی با متحدین احتمالی خود در خارج نیز می باشد. افرادی از راست مسیحی در سالهای اخیر تلاش کرده اند که یک اتحاد محافظه کار اجتماعی در عرصه بین المللی از مسیحیان انجیلی، واتیکان و حتی برخی گروههای اسلامی بر علیه حقوق همجنس بازان، سیاستهای کنترل جمعیت و بالاتر از همه فمینیسم به وجود آورند. کنگره جهانی خانواده، سرشناسترین تجسم نهادین چنین اتحادی

می باشد که گروههایی از ادیان مختلف را در دفاع از «خانواده طبیعی» متحد کرده است. این اتحاد محافظه کار اجتماعی در کنار آن که صدای خود را در نشستهای سازمان ملل به همه رسانده است در برابر طرحهای سازمان ملل مقاومت می نماید و غالباً به گونه ای عجیب از زبان و ادبیات پیشرفته استفاده می کند. این اتحاد از خود مختاری دنیای جنوب در برابر دخالتهای فمینیستهای دنیای شمال و نهادهای بین المللی که آنها (فمینیستها) ادعا می کنند در کنترل دارند دفاع می کند. این اتحاد بین المللی همیشه بی ثبات بوده است. بسیاری از اعضای پایگاه اجتماعی راست مسیحی در حمایت از همکاری با واتیکان به ویژه گروههای اسلامی تردید دارند.<sup>۱۹</sup> اگر چه گروههایی از کشورهای مختلف در کنگره جهانی خانواده شرکت دارند، اما سهم مشارکت راست مسیحی آمریکا بسیار زیاد است. با در نظر گرفتن ملی گرایی نظامی گرایانه راست مسیحی و اعتقاد آن به نقش منحصر به فرد آمریکا به عنوان «کشور منجی»، جای تعجب است اگر ملی گرایان مذهبی در ساخت یک اتحاد حقیقتاً بین المللی دو دل باشد. رویدادهای یازدهم سپتامبر، جنگ علیه تروریسم و جنگ با عراق موجب افزایش این ملی گرایی شده است و تلاشهای راست مسیحی را در ایجاد اتحاد بین المللی پیچیده تر کرده است. در فضای کنونی، همکاری با گروههای اسلامی، به طور خاص مشکل ساز است. اما با وجود این مشکلات، نباید پتانسیل و توانایی یک اتحاد محافظه کار اجتماعی جهانی و کارآیی احتمالی اش را در مقاومت در برابر تلاشهای نهادهای -زاممدار بین المللی جهت دفاع از حقوق زنان یا اجرای سیاستهای کارآمد در مقابل ایدز دست کم گرفت. مخالفت با فمینیسم و حقوق همجنس بازان در تمام جهان وجود دارد. حتی اگر همکاری انجیلیون - مسلمانان در فضای کنونی بعید باشد، اما محافظه کاران مذهبی آمریکا می توانند در جستجوی خود برای یافتن متحدین به رشد سریع مسیحیت محافظه کار در سراسر جهان امید ببندند. بحث و جدل در مورد انتصاب یک مقام روحانی همجنس باز در کلیسای اسقفی گویا این مطلب است. مخالفان آمریکایی تصمیم اخیر کلیسا مبنی بر انتصاب یک کشیش همجنس باز باعث ایجاد اتحاد با اعضای محافظه کار «جامعه جهانی کلیسای انگلستان» و به ویژه اعضای شاخه پر شمار و روز افزون آفریقایی آن شده است. بین الملل گرایی



مترقیانه، یعنی استفاده از نهادهای بین المللی جهت پیشبرد توسعه همسان اقتصادی به جای نئولیبرالیسم، علاوه بر اینکه ملی گرایی یکجانبه آمریکایی راست مسیحی را کنار می زند، تهدیدی جدی علیه تلاشهای راست مسیحی برای ایجاد اتحاد جهانی از محافظه کاران اجتماعی است. شمار کمی از متحدین بالقوه راست مسیحی در دیگر مناطق جهان، آمریکایی های ملی گرای پر حرارت هستند. آنها بیشتر متمایل به سازمان ملل هستند. اضافه بر آن، یک دستور کار اقتصادی مترقیانه بین المللی موجب می گردد که تناقضات واقعی بین نئولیبرالیسم دولت کنونی - که راست مسیحی متحد آن است - و منافع اقتصادی متحدین جهان سومی احتمالی - که راست مسیحی در تلاش است که در مسایل اجتماعی بر آنها پیروز گردد - برجسته گردند. مطمئناً تغییر بحث از محافظه کاری اجتماعی جهانی به دستور کاری از بین المللی گرایی مترقیانه، برگرداندن نگرانیها از آزار و اذیت مذهبی به تعهد نسبت به دفاع عمومی از حقوق بشر و مقابله با جهانی شدن اقتصادی، کارهای ساده ای نیستند. با این وجود پیگیری چنین اهدافی اگر به درستی انجام گیرند. سناریوی برنده - برنده در پی خواهد داشت: این همان راهکار صحیح است و قابلیت ایجاد مشکلات جدی برای راست مسیحی و اتحاد یکجانبه گرایی - که اکنون بر سیاست خارجی آمریکا مسلط گشته است - را دارد. □

## پاورقیها:

۱. بسیاری از آثار راست مسیحی توجه کافی به مسایل سیاست خارجی نکرده اند. برای نمونه، موئن ۱۹۹۲، ویلکاکس ۱۹۹۶، الدقیلد ۱۹۹۶ و واتسون ۱۹۹۹. اثر سارادیاموند استثنای اصلی در این روند می باشد. در چند سال گذشته، فعالیت سیاست خارجی راست مسیحی مورد توجه و بررسیهای تحقیقاتی بیشتری قرار گرفته است. برای نمونه ببینید مارتین ۱۹۹۶، آبرامز ۲۰۰۱ و برجسته تر از همه باس و هرمن ۲۰۰۳.
۲. با این وجود، مخالفت با چین سرخ همچنان به عنوان یکی از بخشهای مهم سیاست خارجی راست مسیحی و به ویژه شورای پژوهشی خانواده است.
۳. روند عمومی به سمت ورود بیشتر در عرصه امور بین المللی موجب پنهان ماندن برخی تفاوتها بین گروههای راست مسیحی می گردد. فیلیس شلفی، رییس ایگل فورم برای مدتی مدید در مسایل بین المللی فعالی بوده است. ائتلاف مسیحی، به جز در مورد آزار و اذیت مذهبی و حمایت از اسرائیل به طور کلی از پرداختن به مسایل بین المللی پرهیز کرده است.
۴. گروههای راست مسیحی همچنین مخالف کنوانسیون حقوق کودک ملل متحد می باشند، چرا که آن را به عنوان تهدیدی بالقوه علیه اقتدار و آئین تلقی می کنند. این گروهها همچنین، پای خود را فراتر از مسایل اجتماعی گذاشتند، مخالف انجام وظیفه نیروهای حافظ صلح آمریکایی تحت فرماندهی سازمان ملل در بوسنی بودند. برنامه منابع زیست کره ملل متحد هم به عنوان تهدیدی علیه حاکمیت آمریکا در علفزارهای خود نگریسته شده و تحت باران انتقادات راست مسیحی قرار گرفته است.
۵. مصاحبه با نویسنده، ۳۰ جولای ۱۹۹۸.
۶. مطلب کامل اتحادهای راست مسیحی و فعالیت آنها در سازمان ملل را از Buss and Herman ببینید.
۷. براساس لیست نیویورک نامیز از پر فروش ترین کتابها، رمانهای مختلفی از مجموعه برجای مانده رتبه نخست را کسب کرده اند و فروش کلی این مجموعه هم اکنون از مرز پنجاه میلیون نسخه گذشته است. از آنجا که «تایمز» تا مدتی پیش کتابفروشیهای «مسیحیون» را برای محاسبه میزان فروش کتابهایش لحاظ نمی کرد، فروشهای «لیندسی» به اندازه فروشهای خارجی از مجموعه انجیلیون چشمگیر نبوده است.
۸. بولیو در نهایت، یک صلح تلویزیونی مسیحیت، که دارای شباهت زیادی به خود روبرتسون بود و یک ژنرال آمریکایی که به گونه ای زیرکانه یک بخش از ارتش آمریکا را از کنترل حکومت جدید جهانی خارج کرد، شکست می خورد.
۹. نقش روبرتسون به عنوان یک مبلغ تلویزیونی، کاندیدای ریاست جمهوری از طرف راست مسیحی و رییس بلندمدت ائتلاف مسیحی کاملاً شناخته شده است. لاهای تا اندازه ای کمتر در معرض دید خارجیان بوده است، اما او نیز به عنوان یک نویسنده، یاری دهنده فرد مؤسس «اکثریت اخلاقی» و همسر بوری لاهای - مؤسس و رییس پیشین زنان دوستدار آمریکا - نقش مهمی در این جنبش داشته است.
۱۰. روبرتسون ۱۹۹۱، و مصاحبه شخصی با لی آن متزیگر که مسئول ارتباطات بوش پدر با محافظه کاران مذهبی بوده است. (۲۱ آگوست ۱۹۹۴)
۱۱. راگ وید، مصاحبه شخصی با نویسنده، می ۱۹۸۹.
۱۲. بالتیمور سان، ۲۵ نوامبر ۱۹۸۷، همان طور که Campaign Hotline-American Political Network نقل شده است.
۱۳. منقول از پائول بویر ۲۰۰۳، برای اطلاعات بیشتر از پیش گوییها و سیاست خارجی راست مسیحی به بویر ۱۹۹۲ و هالسل مراجعه کنید. همچنین پیشگوییهای آخرالزمان منجر به حمایت قوی از اسرائیل می شود. بررسی دقیقتر نشان می دهد که یهودیان یا دست کم آنهایی که به آیین مسیحیت روی نمی آورند، در سناریوهای آخرالزمان عاقبت خوش ندارند.

۱۴. ریچارد سیزیک، معاون امور دولتی مجمع ملی انجیلیون، مصاحبه شخصی با نویسنده، جولای ۱۹۹۸ و گرین ۲۰۰۱، مؤسسه Shea's Puebla به خاطر انتقادهایش از دولت ساندنیسته‌های نیکاراگوئه کاملاً شناخته شده است و براساس آنچه ادعا می‌شود دارای روابط با موافقان کنتراها در دولت نیکاراگوئه بوده است. رجوع کنید به:

<http://rightweb.ire-online.org./ind/shea/she.html>.

۱۵. رجوع کنید به: Hertzke

۱۶. بور و شورای پژوهشی خانواده نسبت به دیگر گروه‌های راست مسیحی دارای روابط نزدیکتری با نومحافظه‌کاران بوده‌اند. بور بیشتر حامی داد و سند آزاد است و در عرصه سیاست خارجی فعالتر از رهبران زنان دوستدار آمریکا و به ویژه فیلیس شلفی از «ایگل فورم» می‌باشد. تمایلات انزوآگرایانه فیلیس وی را به محافظه‌کاران قدیمی نزدیکتر می‌کند.

۱۷. مجمع پژوهش‌های سیاسی مستقر در ماساچوست، یک استثنای قابل توجه است.

۱۸. جهت فهم راست مسیحی از طریق انتقادات وارد بر رویکرد افراط‌گرایی به الدفیلد و همچنین برلت و لیونز رجوع کنید.

۱۹. دارن لوگان، شورای پژوهشی خانواده، مصاحبه با نویسنده، جولای ۱۹۹۸، همچنین

ببینید: Buss and Herman



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی